

## بررسی نظریه سهو النبی در کلام شیعه

سید میثم موسوی

چکیده: مسأله سهو النبی، یعنی اعتقاد به بروز سهو و نسیان در رفتارهای پیامبر اسلام، در میان اهل سنت نظریه ای رایج است. در حالیکه در مذهب شیعه امامیه، سهو النبی اعتقادی مهجور و کمرنگ است. هر چند در میان علمای شیعه نظریه سهو النبی به شخصیتی مانند شیخ صدوق نیز منتسب است. در این مقاله تفاوت میان سهو و اسهاء بررسی و سپس نظریه سهو النبی با دو روش نقلی و عقلی ابطال شد. بررسی های دقیقتر نشان می دهد که حتی نظر شیخ صدوق نیز با نظریه رایج سهو النبی در میان اهل سنت متفاوت است و در واقع وی نیز به اسهاء النبی معتقد بوده است که به جایگاه پیامبر در عقاید شیعه و عصمت مطلق ایشان آسیبی نمی زند.

### مقدمه:

مسأله سهو النبی از مسائل تاثیرگذار در علم کلام است. این مسأله به طور مستقیم با گستره تاثیرپذیری از پیامبر و امامان معصوم و میزان حجیت افعال آنها و به صورت غیرمستقیم با مباحثی همچون قوای شناختی انسان، وحی، تعریف و جایگاه انسان کامل در ارتباط است. سهو النبی اصطلاحی است که در مورد امکان سهو و خطا در رفتارهای پیامبر اسلام مطرح شده و به حکم اولویت، نتیجه آن به سایر پیامبران هم سرایت یافته است؛ زیرا مطابق اعتقاد مسلمانان پیامبر اسلام برترین پیامبر الهی است و اگر ایشان دچار سهو باشند پیامبران دیگر نیز ممکن است دچار سهو بشوند. اما موضوعات مطرح در سهو النبی نیز به دو حوزه عمل به احکام شرعی و رفتارهای عادی در زندگی روزمره محدود می شود.<sup>۱</sup>

پس سوال اصلی در مسئله سهو النبی، این است که آیا ممکن است پیامبر اسلام در عمل به احکام شرعی دچار اشتباه شوند برای مثال گاهی نمازشان را اشتباه بخوانند؛ یا در انجام دادن امور عادی زندگی دچار اشتباه یا فراموشی شوند مانند اینکه فراموش کنند به کسی بدهکارند.

در مورد سهو النبی دیدگاه های متفاوتی میان علمای مسلمان وجود دارد. در مذاهب اهل سنت به دلیل برداشتهای متفاوت از مسأله عصمت و جایگاه پیامبران این دیدگاه یعنی امکان سهو و خطا برای پیامبر دیدگاهی رایج است. اما در فضای اعتقادی شیعیان نظریه رایج ابطال سهو النبی است.

در میان علمای شیعه، شیخ صدوق<sup>۲</sup> و استادش محمد بن حسن بن احمد بن ولیدو پس از ایشان مرحوم طبرسی، صاحب مجمع البیان<sup>۳</sup> و در عصر حاضر نیز، شیخ محمد تقی شوشتری، صاحب قاموس الرجال<sup>۴</sup> به امکان سهو و نسیان پیامبر در مقام عمل به

۱. سبحانی، جعفر، عصمه الانبیاء فی القرآن الکریم، ص ۲۹۲.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۵۹.

۳. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۸۴، ذیل آیه (وَإِنَّمَا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ).

۴. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ج ۱۲، رساله سهو النبی.

احکام اعتقاد دارند، و اصلی‌ترین دلیل آنان روایاتی است که در منابع شیعه و اهل سنت درباره سہو و اشتباه پیامبر در نماز وارد شده است.

برای فهم چیستی و جایگاه بحث سہوالنبی ابتدا باید عصمت و مراتب آن شناخته شود.

تعاریف متعددی از عصمت شده است و لی در میان متکلمان شیعه یک تعریف جامع از عصمت تعریف زیر است:

«العصمه لطف خفی یفعل الله تعالی بالمکلف بحیث لا یكون له داع الی ترک الطاعه و ارتکاب المعصیه مع قدرته علی ذلک لانه لولا ذلک لم یحصل الوثوق بقوله فانفتت فایده البعثه و هو محال»<sup>۵</sup>

در این تعریف عصمت لطفی است از جانب خداوند که باعث می شود شخص معصوم با وجود قدرت، انگیزه ای برای انجام معاصی و ترک طاعات نداشته باشد. در این تعریف که ز علامه حلی ارائه شده است علاوه بر عصمت، علت لزوم عصمت انبیا نیز بیان شده است؛ یعنی اینکه اگر عصمت نباشد مردم نمی توانند به گفته های پیامبران اطمینان نمایند و بعثت بی فایده می شود.

اما این درجه از عصمت حداقل عصمت لازم برای یک پیامبر است. علاوه بر این مرتبه حداقلی از عصمت، ممکن است پیامبران دارای مراتب دیگری هم باشند که البته در جزئیات این مراتب میان علمای مسلمان اتفاق نظر وجود ندارد.

متکلمان اسلامی مراتب عصمت انبیا را به چهار بخش تقسیم نموده اند:

۱. عصمت در گرفتن وحی؛ ۲. عصمت در ابلاغ وحی؛ ۳. عصمت از گناه؛ ۴. عصمت از سہو و نسیان و خطا در تطبیق شریعت در گفتار و کردار، و امور عادی.

در ادامه دیدگاه برخی از متکلمان و فقهای شیعه و سنی را درباره درجات عصمت بیان می کنیم.

متکلمان اهل سنت عصمت در دو بخش اول را قبول دارند، اما نسبت به عصمت پیامبر (ص) از گناه و سہو و نسیان، دیدگاه های متفاوتی دارند و به طور کلی ارتکاب گناه و همچنین سہو را برای پیامبر در عمل به شریعت و همچنین در امور عادی جایز می دانند.<sup>۶</sup>

اما علمای شیعه همگی و بالاتفاق عصمت انبیا در سه مرحله اول از مراحل چهارگانه را قبول دارند و در مرحله عصمت از سہو و نسیان نیز قریب به اتفاق از فقها و متکلمان امامیه از جمله بزرگانی؛ مانند شیخ مفید، شیخ طوسی، محقق حلی، علامه حلی، شهید اول، فاضل مقداد، شیخ بهایی و...، قائل به عصمت پیامبر (ص) هستند و سہو نبی را مطلقاً چه در تطبیق دین و شریعت از جهت گفتار و کردار چه در امور عادی جایز نمی دانند.<sup>۷</sup>

<sup>۵</sup>. علامه حلی، باب حادی عشر، ترجمه و تبیین محسن غرویان، ص ۱۴۲.

<sup>۶</sup>. علم الهدی، علی بن حسین، تنزیه الانبیاء (ع)، ص ۲ - ۳.

<sup>۷</sup>. سبحانی، جعفر، الإلهیات علی هدی الکتاب و السنة و العقل، ص ۲۰۰ - ۲۰۳.

ولی برخی از علمای امامیه؛ نظیر شیخ صدوق و استادش ابن ولید سهو نبی را در امور عادی مانند نماز و... که تمام انسان‌ها در آن اشتراک دارند جایز می‌دانند، ولی سهو در امور اختصاصی برای انبیا مانند تبلیغ دین و تطبیق شریعت در عمل و گفتار را جایز نمی‌دانند.<sup>۸</sup>

البته به برخی علمای امامیه مانند علامه محمدباقر مجلسی توقف در این مساله، یعنی عدم اظهار نظر قطعی، نسبت داده شده است.<sup>۹</sup>

### سهو در لغت :

برای بررسی مساله النبى ابتدا باید این مفهوم در لغت و اصطلاح بررسی شود.

سهو غفلت از چیزی و توجه به امری دیگر است و انسان در ن مازش دچار سهو میشود، وقتی که از آن غفلت کند.<sup>۱۰</sup> راغب در کتاب مفردات این غفلت را به دو نوع تقسیم می‌کند و نوعی از آن را خارج از اختیار انسان می‌داند مانند غفلت فرد مجنون و نوع دوم آن را ناشی از اختیار انسان میدانند که توسط فراهم آوردن اسبابی به صورت ارادی، سبب غفلت خودش شده است؛ مانند فردی که شراب مینوشد و این نوع دارای مواخذه نیز می‌باشد.<sup>۱۱</sup>

### سهو در اصطلاح:

اصطلاح سهو النبى در علم کلام، یعنی ارتکاب اعمالی از حضرت رسول به صورت خاص و انبیا به صورت عام که ناشی از سهو و غفلتشان است کاملاً است طبیعی و عصمت ویژه آنها نیز فقط از گناهان است.

## ادله قائلان به سهو النبى :

### منشاء این بحث

منشاء طرح شدن مساله سهو النبى تعدادی روایت است که در منابع شیعه و سنی نقل شده اند. در میان شیعیان مشهورترین شخصیتی که نظریه سهو النبى را پذیرفته است شیخ صدوق است. مستند وی که ظاهراً تحت تاثیر استادش ابن ولید این نظریه را پذیرفته است همان روایاتی است که اشاره به خطای پیامبر در نماز دارند.

شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه در پایان باب احکام السهو فی الصلوة دیدگاه خود و استادش ابن ولید را در این باره چنین بیان کرده است :

همانا غلات و مفوظه - که خدایشان از رحمت خود دور بدارد - این سهو و فراموشی رسول خدا صلی الله علیه و آله را قبول ندارند و قائلند: اگر جائز باشد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در نماز که جای حضور قلب است

<sup>۸</sup>. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، ص ۳۵۹ - ۳۶۰.

<sup>۹</sup>. سبحانی، جعفر، عصمة الأنبياء، ص ۳۰۲ - ۳۰۶.

<sup>۱۰</sup>. فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، ج ۴، ص ۷۱.

<sup>۱۱</sup>. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، واژه سهو.

سهو نماید پس ممکن است در تبلیغ احکام الهی نیز دچار سهو شود... استاد و شیخ ما محمد بن حسن بن احمد بن ولید - رحمه الله - میفرمود: نخستین مرتبه در غلو یا نقطه شروع نفی فراموشی و سهو از پیامبر صلی الله علیه و آله است، و اگر جایز باشد که اخبار وارده در این باره را رد کنیم، جایز خواهد بود که همه اخبار را رد کنیم، و رد همه اخبار مستلزم ابطال دین و شریعت است، و من گمان میکنم کار بی پاداش و ثوابی نباشد در اقدام به تصنیف کتاب جداگانه و مستقلاً در باره اثبات این سهو پیامبر صلی الله علیه و آله و رد کسانی که منکر آن هستند إن شاء الله.<sup>۱۲</sup>

### تقریر ادله

مهمترین دلایل قائلین به سهوالنبی روایات است. این روایات را از منابع معتبر شیعه نقل می کنیم تا اشکالات سندی کمتری به آنها وارد باشد. در ادامه روایات مربوط به سهو النبی که در کتاب کافی آمده است را بیان می نماییم. انتخاب کتاب کافی به دلیل اعتبار آن نزد شیعه به عنوان یکی از کتب اربعه می باشد.

۱. محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن عثمان بن عیسی، عن سماعه بن مهران قال: قال أبو عبد الله: من حفظ سهوه فأتته فليس عليه سجدة السهو فإن رسول الله صلى بالناس الظهر ركعتين، ثم سها، فسلم، فقال له ذو الشمالين: يا رسول الله! أنزل في الصلاة شيء؟ فقال: و ما ذاك، قال: إنما صليت ركعتين. فقال رسول الله: أتقولون مثل قوله؟ قالوا: نعم. فقام فأتته بهم الصلاة و سجد بهم سجدة السهو...<sup>۱۳</sup>

سماعه بن مهران نقل شده که می گوید: از امام صادق شنیدم که فرمود: رسول خدا سهو نمود و نماز ظهر را در رکعت دوم سلام داد. شخصی به نام ذوالشمالین پرسید: آیا درباره نماز چیزی نازل شده است؟ فرمود: چطور؟ گفت: شما دو رکعت خواندید. پیامبر از مردم پرسید: آیا شما هم مثل ذوالشمالین می گوید؟ عرض کردند: بلی. سپس پیامبر برخاست و دو رکعت دیگر خواند و نماز را تمام کرد و دو سجده سهو به جا آورد.

۲. محمد بن یحیی، عن أحمد بن محمد بن عیسی، عن علی بن النعمان، عن سعید الاعرج قال: سمعت أبا عبد الله يقول: صلى رسول الله ثم سلم في ركعتين فسأله من خلفه: يا رسول الله! أحدث في الصلاة شيء؟ قال: و ما ذاك؟ قالوا: إنما صليت ركعتين، فقال: أكذلك يا ذا الیدین؟ و كان يدعى ذا الشمالین فقال: نعم، فبنى على صلاته فأتته الصلاة أربعاً. و قال: إن الله هو الذي أنساه رحمه للامة، الا ترى لو أن رجلاً صنع هذا لعير. و قيل: ما تقبل صلاتك فمن دخل عليه اليوم ذاك. قال: قد سن رسول الله و صارت اسوة و سجد سجدةين لمكان الكلام.<sup>۱۴</sup>

<sup>۱۲</sup>. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص: ۳۵۹.

<sup>۱۳</sup>. کلینی، الکافی، ج ۳، ح ۱، ص ۳۵۵.

<sup>۱۴</sup>. کلینی، الکافی، ج ۳، ح ۶، ص ۳۵۷.

سعید اعرج از امام صادق نقل کرده که حضرت فرمودند: رسول الله نماز خواند و در رکعت دوم (سهوا) سلام داد، از صف پشت حضرت کسی پرسید یا رسول الله آیا در مورد نماز اتفاقی افتاده است؟ پیامبر پرسید چه چیز است آن؟ گفتند شما دو رکعت خواندید پس پیامبر فرمود ای ذوالیدین آیا چنین بود؟ و ذوالشمالین هم همین را تایید کرد. پس پیامبر دو رکعت دیگر خواند و نماز را با چهار رکعت تمام کرد. سپس امام صادق فرمود: همانا خداوند پیامبر را به نسیان انداخت برای لطف و رحمتش به مردم ...

۳. عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمد البرقی، عن منصور بن العباس، عن عمرو بن سعید، عن الحسن بن صدقة قال: قلت لابی الحسن الاول: (أسلم رسول الله) فی الركعتین الاولتین؟ فقال: نعم، قلت: و حاله حاله، قال: إنما أراد الله - عزوجل - أن يفقههم.<sup>۱۵</sup>

ابن صدقه از امام کاظم علیه السلام پرسید، آیا پیامبر در دو رکعت اول نماز سلام داده است؟ امام فرمود: بله. بعد می گوید به امام عرض کردم: آیا با این حال، وجاهت و عظمت پیامبر مثل سابق محفوظ است؟ فرمود: بله. خداوند خواسته است که حکم شرعی سهو را به مردم بفهماند.

#### بررسی روایات و مستندات قائلان به سهو

از این روایات که بیان شد، روایت سوم به دلیل وجود منصور بن عباس در سند، ضعیف است.<sup>۱۶</sup> اما روایت اول و دوم کاملاً قابل اطمینان و معتبر هستند. یعنی انتسابشان به امام علیه السلام صحیح است. هر چند روایت سوم هم به دلیل مضمون هماهنگ با روایات اول و دوم و اعتماد شیخ کلینی قابل طرد نیست. پس نمی توان با بررسی اسناد این روایات مساله سهو النبی را رد نمود. برخی تلاش نموده اند با اشکالاتی مانند اضطراب و اشکالات متن احادیث آنها را از حجیت بیاندازند اما مساله این است که آن اشکالات غالباً بر نقلهای اهل سنت از این واقعه وارد است.

اما دسته دیگری از روایات نیز هستند که با روایات موافق سهو النبی در تعارض قرار می گیرند که در ادامه به آنها می پردازیم.

#### دلایل نقلی بر عدم سهو

در این قسمت روایاتی که هر گونه سهو را از پیامبر نفی می کنند بررسی می نماییم.

۱۵. کلینی، الکافی، ج ۳، ح ۲، ص ۳۵۶.  
۱۶. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱۹، ص ۳۷۹.

۱. «و باسناده، عن محمد بن علی بن محبوب، عن أحمد بن محمد، عن الحسن ابن محبوب، عن عبد الله بن بكير، عن زرارة قال: سألت أبا جعفر: هل سجد رسول الله سجدة السهو قط؟ قال: لا»<sup>۱۷</sup>

شیخ طوسی به سند خود، از زراره نقل می‌کند: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: آیا رسول خدا (حتی برای یک مرتبه) سجده سهو به جای آورده است؟ فرمود: خیر.

۲. « عدة من اصحابنا، عن احمد بن محمد، عن علی بن حدید، عن سماعه بن مهران. قال: كنت عند ابي عبد الله (عنده جماعة من مواليه، فقال: اعرفوا العقل و جنوده و الجهل و جنوده تهتدوا قال سماعه فقلت جعلت فداك لا نعرف إلا ما عرفتنا فقال ابو عبد الله: ان الله خلق العقل... ثم جعل للعقل خمسة و سبعين جنداً فكان مما اعطى الله العقل من الخمسة و السبعين الجند الخیر و جعل ضده الشر... و العلم و ضده الجهل و التسليم و ضده الشك و التذكر و ضده السهو و الحفظ و ضده النسيان... فلا تجتمع هذه الخصال كلها من اجناد العقل الا في نبي او وصي او مؤمن قد امتحن الله قلبه للايمان و اما ساير ذلك من مواليها، فان احدهم لا يخلو من ان يكون فيه بعض هذه الجنود حتى يستكمل و ينقى من جنود الجهل، فعند ذلك يكون في الدرجة مع الانبياء و الاوصياء و إنما يدرك ذلك بمعرفة العقل و جنوده و بمجانبة الجهل و جنوده و فقنا الله و إياكم إطاعته و مرضاته»<sup>۱۸</sup>.

امام صادق علیه السلام در این روایت که مفصل است و به حدیث جنود عقل و جهل مشهور شده است، تذکر (مخالف سهو) و حفظ (ضد نسیان) را جزء لشکر عقل بیان فرمودند و در ادامه بیان نمودند که از کسانی که دارای این ویژگی‌ها هستند پیامبران‌اند. پس این حدیث دلالت دارد بر این‌که در انبیا سهو و نسیان وجود ندارد.

۳. «عن محمد بن يحيى، عن احمد بن محمد، عن عمر بن عبد العزيز، عن محمد بن الفضيل، عن ابي حمزة قال: سمعت ابا جعفر يقول: الله اجل و اعز و اكرم من ان يفرض طاعة عبد يحجب عنه علم سمائه و أرضه، ثم قال لا يحجب ذلك عنه»<sup>۱۹</sup>.

ابو حمزه گوید: شنیدم امام باقر علیه السلام می‌فرمود: نه بخدا عالم هرگز جاهل نباشد (یعنی عالمی که خدا اطاعتش را بر مردم واجب کرده و او همان امامست) ممکن نیست چیزی را بداند و چیزی را نداند (او همه چیز می‌داند) سپس فرمود: خدا والاتر از آنست که فرمانبری از بنده‌ئی را واجب کند که علم آسمان و زمینش را از او نهان داشته است و باز فرمود: آن را از او نهان نکند.

<sup>۱۷</sup>. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۲۳۶.

<sup>۱۸</sup>. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۳.

<sup>۱۹</sup>. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۶۲.

این احادیث و روایات دیگری که به جهت رعایت اختصار بیان نشده اند، از نظر سند قابل اعتماد هستند و با احادیث سهو النبی معارض می شود و در مقام تعارض بین دو دسته روایات، به دلیل مخالفت با عامه که یکی از مرجحات منصوصه باب تعارض است<sup>۲۰</sup>، روایتی که مخالف با عامه است، پذیرفته می شود و روایات موافق با عامه بر تقیه حمل می شود. در نتیجه، روایات دال بر سهو النبی چون موافق با روایات عامه است، بر تقیه حمل شده و طرد می شوند. شیخ طوسی بعد از نقل یکی از این روایات می گوید: «الذی افتی به ما تضمنه هذا الخبر، فأما الاخبار التي قدمناها من أنه سها فسجد فهي موافقة للعامه»<sup>۲۱</sup>

یعنی من مطابق محتوای این روایت که، نفی هر گونه سهو از پیامبر است، فتوا می دهیم و روایات مربوط به سهو پیامبر در نماز را به دلیل تقیه (موافقت ظاهری) با عقاید اهل سنت می دانیم.

به این ترتیب با روایات نافی سهو از پیامبر می توانیم روایات مربوط به سهو النبی را از حجیت انداخته و مطابق قواعد تعارض آنها را بخاطر تقیه بدانیم. پس مشخص شد که دلایل مرحوم صدوق و پیروانش در مورد اثبات سهو النبی کافی و معتبر نیست. اما علاوه بر بحث روایی می توان از دلایل عقلی، که بر روایات حاکم هستند، را در نفی سهو النبی استفاده کرد.

#### دلایل عقلی بر عدم سهو

حکمت ارسال پیامبر: دلیل نیاز به پیامبر عبارت است از نقص و محدودیت قوای شناختی بشر و ناتوانی انسان در شناخت راه صحیح در امور جزئی و کلی زندگی. پس خداوند به حکمت خود پیامبرانی را فرستاد که متصل به شناختی خطاناپذیر به نام وحی هستند تا جلوی اشتباهات انسان را بگیرند.<sup>۲۲</sup> حال اگر خود پیامبر دچار سهو شود، او نیز نیاز به کسی خواهد داشت تا اشتباهش را برطرف سازد که در این صورت تسلسل باطل واقع خواهد شد. علاوه بر این اگر پیامبران در عمل به وظایف دینی، یا در امور روزانه زندگی گرفتار اشتباه و سهو و نسیان شوند، در این صورت، اعتماد مردم از آنان سلب شده و به تعالیم و گفته های آنان اطمینان نمی کنند و با خود می اندیشند که پیامبری که در عمل به وظایف دینی خود و در امور عادی زندگی خویش اشتباه می کند، چه تضمینی است که در بیان احکام وحی و تعالیم دینی دچار اشتباه نشود؟

البته اشتباه در امور عادی زندگی و در عمل به احکام، با اشتباه در بیان وظایف و احکام دینی ملازم نیست؛ زیرا ممکن است کسی از جانب خدا در بیان احکام دین معصوم باشد، ولی در امور زندگی و عادی و در عمل به احکام به خطا و لغزش گرفتار گردد. اما ممکن است همه مردم نتوانند این تفکیک را درک کنند و سهو و نسیان را بهانه پیامبران برای ارتکاب اعمال ناصحیح تصور کنند و این خطاها را به امکان اشتباه در مقام بیان احکام و تعالیم هم سرایت می دهند؛ در نتیجه، اعتماد مردم به صحت تعالیم و گفته های پیامبر سلب

۲۰. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ج ۴، ص ۲۰۴.

۲۱. طوسی، محمد بن حسن، نفی السهو عن النبی، ص ۳۰.

۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، ص ۱۷۸-۱۷۹.

می‌شود و هدف و مقصد بعثت محقق نمی‌گردد، و این نقض غرض است که با حکمت پروردگار در ارسال پیامبران سازگار نیست و به برهان اثبات شده است که نقض غرض در خداوند حکیم راه ندارد.

اهمیت این مطلب زمانی مشخص می‌شود که بدانیم در قرون معاصر برخی روشنفکران مسلمان تحت تاثیر روندهای تقدس زدایی از دین و فضای عرفی سازی دین (سکولاریسم) نظراتی را بیان کردند که عصمت و جایگاه قدسی پیامبر را زیر سوال می‌برد. علمای مسلمان هم در برابر این نظرات به دفاع از عصمت تام پیامبر اسلام پرداختند زیرا پذیرش سهو و خطا در پیامبر راه را برای سلب اعتماد مردم در زمینه های دیگر باز می‌کند و نهایتاً حجیت رفتار و گفتار پیامبر را از بین می‌برد و در نتیجه حکمت و فایده ارسال پیامبران منتفی می‌شود. بنابراین بر اساس این دلیل عقلی و محال بودن نقض غرض در افعال الهی باید به عصمت مطلق پیامبر در همه زمینه های دریافت و ابلاغ وحی، عمل به شریعت، عصمت از خطا و سهو در امور عادی زندگی فردی و اجتماعی ملتزم باشیم. برخی علمای بزرگ شیعه به این دلیل عقلی برای رد سهوالنبی استناد نموده اند. شیخ مفید در این زمینه می‌گوید: دلیل عصمت پیامبر این است که اگر مردم از وی سهو و فراموشی ببینند از او متنفر خواهند شد و از او پیروی نمی‌کنند و بعثت دیگر فایده ای نخواهد داشت.<sup>۲۳</sup>

تکلیف به پیروی مطلق از پیامبر مقتضی عصمت مطلق است:

آیاتی از قرآن کریم دلالت می‌کند بر اینکه اطاعت مطلق از پیامبر واجب است؛ مانند آیات زیر

«مَا آفَاءَ لِلَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ۚ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر: ۷)

«قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حَمَلْتُمْ ۚ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا ۚ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» (نور: ۵۴)

حال مقدمه ای عقلی به این آیات ضمیمه می‌کنیم بدین شرح که اگر پیامبر دچار سهو و خطا باشد و در همان حال خداوند امر به اطاعت مطلق از ایشان بنماید، در واقع خداوند مردم را به پذیرش خطا و گمراهی دعوت نموده است و این کار از خدای حکیم محال و غیرممکن است؛ پس لازمه این فرمان مطلق الهی، مصونیت و عصمت مطلق پیامبر است.

### بررسی نظر شیخ صدوق :

بررسی نظریه شیخ صدوق به عنوان اولین شخصیت شیعه که نظریه سهوالنبی به او منتسب شده است از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این سوال مطرح است که آیا واقعا شیخ صدوق سهو النبی را با همان برداشتی که اهل سنت دارند پذیرفته است؟ بررسی گفته های شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه نشان می‌دهد برداشت شیخ صدوق از سهوالنبی با برداشت اهل سنت متفاوت است.

او در کتاب من لایحضره الفقیه می‌گوید:

<sup>۲۳</sup>. شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ص ۳۷.

«لَيْسَ سَهْوُ النَّبِيِّ ص كَسَهْوِنَا لِأَنَّ سَهْوَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِنَّمَا أَسْهَاءُ لِيُعْلِمَ أَنَّ بَشَرَ مَخْلُوقٌ فَلَا يَتَّخَذُ رَبًّا مَعْبُودًا دُونَهُ وَ لِيَعْلَمَ النَّاسُ بِسَهْوِهِ حُكْمَ السَّهْوِ مَتَى سَهْوًا وَ سَهْوِنَا مِنَ الشَّيْطَانِ وَ لَيْسَ لِلشَّيْطَانِ عَلَى النَّبِيِّ ص وَ الْأُمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَ الَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ وَ عَلَى مَنْ تَبِعَهُ مِنَ الْغَاوِينَ»<sup>۲۴</sup>

یعنی اشتباه پیامبر (ص) از قبیل خطا و اشتباه مردم عادی نیست که ریشه آن تسلط شیطان باشد؛ بلکه این خطا به اراده خداوند است که گاهی برای مصلحت؛ مطلبی را از ذهن پیامبر (ص) محو نموده و او را دچار فراموشی می‌کند. وی این رخداد را اسهاء می‌نامد. از این رو، برخی بر این عقیده‌اند که نسبت دادن اعتقاد سهو النبى به صدوق صحیح نیست و آنچه مورد نظر ایشان بوده اسهاء النبى که آن هم به خاطر مصلحت بوده است.

با توجه به عبارات بالا از شیخ صدوق نکات زیر را می‌توان استنباط نمود:

۱. شیخ صدوق در این کلام بین سهو و اسهاء فرق گذاشته است. او می‌گوید: سهو پیامبر از قبیل سهو مردم عادی نیست که ریشه آن تسلط شیطان باشد، بلکه پیش آمدن این سهو به اراده خداوند است که گاهی برای مصلحتی چیزی را از ذهن پیامبر محو نموده، او را دچار سهو می‌کند. وی این رخداد را اسهاء می‌نامد. از این رو، نسبت دادن اعتقاد به سهو النبى به صدوق صحیح نیست. آنچه مورد نظر ایشان است اسهاء النبى لمصلحة است.

۲. ایشان اسهاء را هم تنها در اموری که بین پیامبر و دیگران مشترک است، مانند مقام عمل به احکام، جایز می‌دانند؛ ولی آن را در تبلیغ و بیان احکام دین - که از مختصات پیامبری است - قبول ندارد و پیامبران را در تبلیغ و بیان احکام دین معصوم می‌دانند.

۳. تنها موردی که برای اسهائ پیامبر نماز است؛ آن هم به دلیل روایاتی است که در این موضوع خاص وارد شده است و مورد یا موارد دیگری چه در کلام شیخ صدوق و چه در کلمات دیگران، دیده نمی‌شود.

به این ترتیب تفاوت های دیدگاه شیخ صدوق با نظریه رایج در اهل سنت در مورد سهو النبى روشن می‌شود. در واقع نظریه ایشان بر خلاف آنچه مشهور شده است اسهاء النبى است. یعنی خداوند در موردی خاص تعلیم به مردم یا مصالحی دیگر، پیامبر را دچار سهو نموده است. تفاوت مهم این دیدگاه با سهو النبى این است که در اسهاء النبى اصل بر جایگاه قدسی و اتصال پیامبر به منبع علم الهی است و پیامبر در همه رفتارهایش مصون از سهو و خطاست؛ مگر اینکه به مصلحت الهی در مورد خاصی و برای مصالحی ایشان دچار سهو شدند که این سهو نیز به تعبیر شیخ صدوق مانند مردم عادی از روی غفلت و نفوذ شیطان نیست بلکه به خواست پروردگار است.

## جمع بندی و تحلیل :

در بررسی مساله سهو النبى مشاهده شد که تنها مستند قائلان به سهو یعنی روایات و احادیث مربوط به سهو پیامبر در نماز، چندان قابل استناد نیست و روایاتی معارض با آنها وجود دارد که استناد به آنها را ناممکن می‌سازد. هر چند می‌توان با تفاوت قائل شدن

<sup>۲۴</sup>. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص: ۳۶۰.

میان سهو و اسهائ روایات نافی سهو را مربوط به خود سهو و روایات اثبات کننده سهو را مربوط به اسهائ دانست. همانطور که ظاهراً نظر شیخ صدوق نیز اسهائ النبی است نه سهوالنبی که تفاوت های این دو نیز بیان شد.

اما در مورد دلایل عقلی؛ با توجه به اینکه در دلایل عقلی بر پیامدهای این نظریه و منافات آنها با غرض از ارسال رسل تاکید شده است باید بدانیم که این پیامد یعنی نفی غرض فقط در حالات خاصی از سهو ایجاد می شود و با این دلیل مطلق سهو و خطا را بویژه زمانی که از سوی خداوند ایجاد شده باشد، نمیتوان نفی کرد.

البته با استفاده از مساله انسان کامل و درجات و قوای او می توان عدم خطا را با توجه به شدت قوای شناختی و تمرکز انسان کامل ثابت کرد. البته در این روش برخی پیامبران با توجه به درجاتشان ممکن است مرتکب برخی خطاها و حتی ترک اولی شوند. اما ترویج و تقویت نظریه سهو در مورد پیامبر اسلام، بویژه در میان اهل سنت، علاوه بر مسایل تاریخی و برخی احادیث با انگیزه هایی دیگر بوده است. برخی محققان معتقدند چنین روایتهای دروغینی که با عصمت پیامبر منافات دارد، از سوی امویها و یارانسان ساخته شده است تا اولاً جایگاه و ارزش پیامبر اکرم و سپس ارزش اهل بیت را زیر سؤال ببرند. ثانیاً برای کارهای زشت و ناروای خود که در تاریخ ثبت شده است توجیه مناسبی ایجاد کنند یعنی بگویند اگر رسول خدا خطا می کند و پیروی از هوای نفس خود میکند، دیگر جایی برای سرزنش معاویه و یزید و دیگر خلفایی که مرتکب زشتترین گناهان شدند، نمی ماند.<sup>۲۵</sup>

با توجه به مباحث مطرح شده چهار نکته به عنوان نتیجه گیری بیان می شود:

اولاً باید میان سهو و اسهائ تفاوت قائل شد و نظریه رایج در شیعه بر خلاف اهل سنت اسهائ النبی است نه سهوالنبی؛ همانطور که روایات شیعه نیز به آن اشاره دارند.

ثانیاً روایات مثبت و نافی سهو از پیامبر ظاهراً با هم در تعارض هستند مگر اینکه روایات مثبت سهو را مربوط به اسهائ بدانیم.

نکته سوم اینکه با استناد به دلایل عقلی نمی توان با قاطعیت هر گونه سهو و خطا را از همه پیامبران نفی نمود و باید میان پیامبران با توجه درجاتشان تفاوت قائل شد.

نکته چهارم این است که در مورد پیامبر اسلام با توجه به روایات و آیات مطلقاً سهو و نسیان راه ندارد و برخی علمای شیعه مانند شیخ صدوق نیز نهایتاً موردی از اسهائ را در مساله نماز پیامبر ثابت نموده اند.

## منابع :

۱. قرآن کریم

<sup>۲۵</sup>. تیجانی تونسسی، محمد، همراه با راستگویان، با مقدمه و ترجمه محمد جواد مهري، ص ۶۱.

۲. تیجانی تونسسی، محمد، همراه با راستگویان، با مقدمه و ترجمه محمد جواد مهری، ج ۹، قم: بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۳. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱۹.
۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، واژه سهو.
۵. سبحانی، جعفر، الإلهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل، ج ۳.
۶. سبحانی، جعفر، عصمه الأنبياء، مؤسسه امام صادق (ع)، قم.
۷. شوشتري، محمد تقی، قاموس الرجال، ج ۱۲، رساله سهو النبي.
۸. شيخ صدوق، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۹. شيخ مفید، النکت الاعتقادیه.
۱۰. طبرسی، مجمع البیان، ج ۴.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۱.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، نفی السهو عن النبي.
۱۳. علامه حلی، باب حادی عشر، ترجمه و تبیین محسن غرویانی.
۱۴. علم الهدی، علی بن حسین، تنزیه الأنبياء (ع)، دار الشریف الرضی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، ج ۴.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ق. ج ۱.
۱۷. ----- ج ۳.
۱۸. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید.
۱۹. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ج ۴.